بسمه تعالی

خلقت زیبا. زمین زیبا. کعبه آمال زیبا. خالق زیبائی ها زیبا

نوشته نادر حسن زاده

این درس نجوم نیست. درس زمین است. درس سرزمین است. درس زندگی در زمین و در سرزمین است. وقتی مولانا می گوید کار خود کن کار بیگانه مکن/در زمین دیگران خانه مکن/ کیست آن بیگانه آن تن خاکی تو/کز برای اوست غمخواری تو. پیام خاص او برای انسان زمینی است. پیام برخاستن از زمین است. رفتن به سرزمین است. جرات کنم می نویسم تا این زمین را نشناسیم تن خاکی خود را هم نخواهیم شناخت. زیرا ارکان زندگی چند وجهی است. مولفه های زندگی چندضلعی است. زمین با من من با زمین و هر دو با هم فراسوی زمین و در مکانت سرزمین موعود است. این مقاله تهیه شد تا تاکیدی بشود بر این حقیقت که کعبه خانه خدا تعطیل بردار نیست.

هرچه می بارد طلاست

هرچه می دارد بلاست

یک سخن! دنیا کجاست؟

زیر چرخ، بالا خداست

(تاریخ نشر ۱۳۹۹/۱/۴. تاریخ بازبینی هشتم ۱۴۰۳/۲/۲۶)

اندازه زمین رو به کاهش است

بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ- این کفار و پدرانشان را از انواع نعمت ها بهره مند ساختیم تا جایی که عمرشان روی زمین طولانی شد و گمان کردند که نعمت ها و عمرشان پایان ناپذیر است. آیا ندانسته اند که ما همواره به زمین می‌پردازیم و از اطراف آن می کاهیم؟ چطور این خلق فانی می توانند بر این زمین غلبه کنند (انبیا/۴۴).

علم ثابت کرده است اندازه زمین ثابت نیست. با گذشت زمان رو به کاهش است. زیرا جو زمین نشت می کند. روزانه چند صد تن جرم از فضا را از دست می دهد. زمین با پیدایش، تاریخچه اش و موجوداتش یک لحظه آرام و قرار ندارد. کارش جایگزینی سکنه خود است.

فقط زمین نمی چرخد. فقط زمین طغیان نمی کند. فقط زمین چند لایه نیست. تن خاکی ما هم چند لایه است. از قطب شمال تا قطب جنوب زمین جریان زندگی دارد. پائین با امواج زیرزمینی کار دارد. بالا با اجرام سماوای و آوای آسمانی. بده بستان عظیمی است. زیرپا می چرخد متوجه نمی شویم. دور فلک می چرخد متوجه نمی شویم. دور و بر ما موجودات فراانسی است بدلیل اینکه قابل رویت نیستند وجود آنها را حس نمی کنیم. اشعه ها و امواج را صرفا در طیف های خاص می بینیم و می شنویم. به عبارت دیگر بدجوری:

۱. درگیر حواس پنجگانه: شنوایی، لامسه، بویایی، بینایی و چشایی هستیم.
۲. گرفتار ۴ بعد: طول، عرض، ارتفاع و عمق هستیم.
۳. در محاصره چهار نیروی بنیادین طبیعت: جاذبه (گرانش)، الکترومغناطیس، نیروی هسته‌ای یا کشش ضعیف (weak interaction) و هسته‌ای یا کشش قوی (strong interaction) هستیم. این نیروها همه رخدادهای جهان را کنترل می‌کنند و مانع از هم پاشیدن سیارات، مولکول‌ها و حتی اتم‌ها می‌شوند. در این باره سمیرا الله وردی می نویسد (۱۳۹۲): ذرات بنیادین عالم مانند پروتون، نوترون و سازنده آنها (کوارک ها) و الکترون (مراجعه شود به مقاله جهان کوانتوم: ورود به یکی دیگر از عرصه های علمی خدا و نجات زمین با تقدیم بهترین آرزوها، ۱۴۰۲در همین سایت) برای ایفای نقش در جهان هستی و انجام کنش متقابل با یکدیگر از چهار قانون اساسی پیروی می‌کنند که مجموع آنها را قوانین چهارگانه طبیعت می‌نامیم.

اگر جهان هستی را به یکی از زبان‌های بشری تشبیه کنیم، ذرات در حکم واژه‌ها و نیروها در نقش دستور زبان هستند. دستور زبان بسیار ساده ای که توانسته فقط با استفاده از چهار قاعده اصلی، کتابی با شکوه و زیبا بیافریند و عامل پیدایش موجودات هوشمندی شود.

شواهد محکمی در دست است که نشان می دهد منشا این چهار نیروی ابتدای خلقت (گرانش یا جاذبه)، الکترومغناطیس، نیروی هسته‌ای یا کشش ضعیف و هسته‌ای یا کشش قوی)، یک ابرنیروی واحد بوده که با افت شدید دما در نخستین لحظات پس از بیگ بنگ به چهار نیروی متفاوت شکسته شده و کنترل جهان هستی را به دست گرفته است. نیروی پنجم هم در شرف شناسائی است که به دنیا بعد پنجم می بخشد.

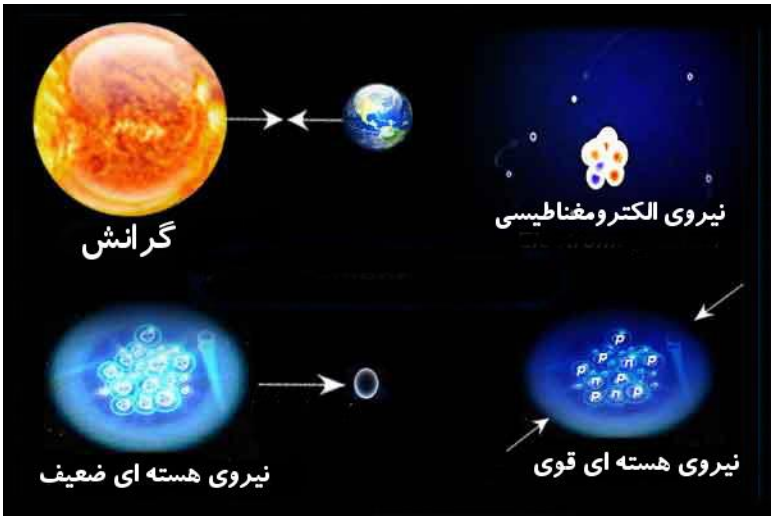

شکل ۱: چهار نیروی شگفت انگیز طبیعت.

چرا زمین جاذبه دارد؟ کاشف آن کیست؟

همه ما داستان کشف نیروی جاذبه را شنیده ایم، زمانی که دانشمندی به نام ایزاک نیوتن زیر درخت سیب نشسته بود و با افتادن سیب روی سرش به این فکر کرد که چرا سیب به جای این که به زمین بیفتد به آسمان نرفت؟



آیزاک نیوتُن ریاضی‌دان، فیزیک‌دان، اخترشناس، متخصص الهیات، نویسنده و فیلسوف بنام طبیعت در قرن هفدهم، اهل انگلستان بود که به عنوان یکی از مؤثرترین دانشمندان کل تاریخ و یک شخصیت کلیدی در انقلاب علمی شناخته می‌شود.

با کشف او معلوم شد بدون جاذبه همه چیز در هوا معلق می ماند و هیچ چیز به زمین باز نمی گردد، هوای اطراف زمین از بین می رود و موجودات زنده قادر به زندگی کردن نخواهند بود. دریا، باران، برف و بسیاری از پدیده های طبیعی به وجود نمی آیند و گردش ماه به دور زمین متوقف می شود. زیرا حرکت ماه دور زمین هم تابع جاذبه زمین است.

چقدر این دنیا با این فرمولها زیباست و چقدر نازیباست در یکی از این فرمولها تغییر بنیادین داده شود و کل نظام دنیا بهم بریزد.

بدون جاذبه تمام کهکشان از هم می پاشد و زندگی در کره زمین ممکن نخواهد بود. در واقع جاذبه همان چیزی است که دنیا را کنار هم نگه داشته است.

ماهیت نیروی جاذبه چیست؟

هنوز نکسی نمی داند چگونه خواص بنیادین جهان با هم ترکیب می‌شوند و این پدیده را ایجاد می‌کنند. نیوتون، کاشف نیروی جاذبه زمین معتقد بود منشأ جاذبیت زمین، اراده آفریدگار است و بس. و آن نیروئی است معنوی که خودش درک نمی شود ولی از آثارش شناخته می شود.

نکته قابل ذکر آنکه دانشوران سرعت جاذبه زمین را هفت میلیون برابر سرعت نور تشخیص داده اند با آنکه سرعت نور در هر ثانیه سیصد هزار کیلومتر می باشد. بشر تکامل یافته، با هزاران وسائل علمی موجود، هنوز به حقیقت جاذبه زمین پی نبرده است. آیا ماده ابتدائی به این حقیقت پی برده است که توانسته خود را دارای جاذبه کند؟! هرگز (قلم چی،۱۳۹۲).

رنگ ندارد زمین

رنگ تو دارد زمین

لنگه ندارد زمین

وسوسه دارد زمین

آب حیات است زمین

خاک نبات است زمین

با تو متاع این زمین

با تو مقام این زمین

زمین از فراز آسمان:

فرانک دو وین (Frank De Winne) فضانورد که آخرین بار شش ماه در ایستگاه بین المللی فضایی بوده درباره زمین می گوید: زمین آبی است، ابرهای متعددی دور آن می بینید و البته جریانهای متعدد هوایی و سپس کهکشانی که کاملا سیاه است. زمانی که نگاهتان به زمین از فضا است، گاهی اوقات این جزایر کوچک که توسط این صخره های مرجانی شکل گرفته را می بینید.

در این میان تبلور رنگ آبی جلوه ای دیگری دارد. البته سبز جنگلها هم چشم نواز هستند. زمانی که روی دشت و کویرهای خشک پرواز می کنید خوب با تصاویر قهوه ای و زرد مواجه می شوید.

خط آبی بسیار نازکی را می بینید که این ضخامت جو ما است. این چیزی است که به ما اجازه زندگی می دهد. این چیزی است که باعث می شود که این سیاره در اینجا قابل زندگی باشد (Euronews,2015).



عمق زمین از گرما جهنم روز محشر است. جهنم موعود است. هرچه عمیق تر گرم تر داغ تر جوشان تر و در عین حال غیرقابل نفوذتر. بدلیل همین ویژگی است که به ازاء هر ۱۰۰ متری که ما به هسته ی زمین نزدیک می شویم، دمای زمین در حدود ۳ درجه سانتیگراد افزایش می یابد (ماخذ: شبکه فیزیک هوپا. انجمن فیزیکدانان جوان ایران). بنابراین، در چند کیلومتری عمق زمین ابتدا آب می جوشد. به هسته زمین نزدیک بشویم آهن می جوشد.

برعکس، روی زمین بهشت است. زیر پای ما بهشت است. زیر پای مادر هم بهشت است. بهشت داریم تا بهشت. یک بهشت است آدم می رود یک بهشت است خاتم می رود.

خاک بدن ما آهن رباست. زیر زمین ما آهن رباست. اقطاب واقعی آهن ربا هستند.

مرتب بدن ما بار مثبت و بار منفی می گیرد. دین ما هم کار خود را می کند. جاذبه و دافعه دارد. گرایش به سمت خوبی ها و دوری از بدیها. تا به فلک سر نزدی بر نگردی. تا آخر عمر خط خط یا خط به خط نشوی.

عیسی به دین خویش است — آن دیگری چه دین است

موسی به دین خویش است — دین رسول طهور است

دین هم که دین خوب است — فکر رسول فکور است

لازم نبود بپرسم — آخر پیام دین است

دینی که بر رسول است
ارزان خمیده دارد

دیندار و دین پذیر است
نور از تو هم بتابد

تمبر زمین به دین است
نور زمین بتابد

ذیل زمین زمین است
در سجده گاه بدانم

از رستگار بپرسید
انوار خود ندارم

دنیای دین کدام است؟
اعصاب خود ندارم

هر سجده ائی گذاری
کوه بلند خود را

در سجده گاه گذاری
جز آسمان ندارم

بر تابش دو عالم
باید زمین بکاوم

این رهسپار بتابد
باید زمین بمانم

از قوس خود نتابد
روی زمین زمین است

بر قوس ما بتابد
پشت جبین ضمیر است

دنیای نور همین است
ناسوت من زمین است

اخلاق نور همین است
لاهوت من برین است

دامن کشیده دارد
هر قصه ائی سه تار هست

سبحان دمیده دارد
یک تار آن زمین است

یک تار آن برین است یک تار آن همین است

جزئیات ساختار کره زمین

اگر زمین را کمی شبیه تخم‌مرغ تصور کنید، پوسته‌اش مانند پوست تخم‌مرغ است، گوشته آن لایه ضخیم سنگ مانند سفیده و هسته آن مانند زرده است

۱. **پوسته که به عنوان سطح سیاره شناخته می‌شود،**
۲. **گوشته**
۳. **هسته.**

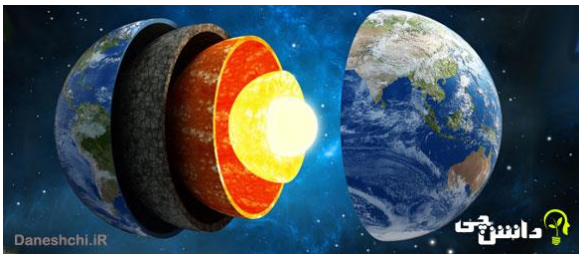

شکل۲: برشی از لایه های اصلی زمین از سمت بیرون به سمت داخل.

۱. پوسته زمین:

پوسته خارجی‌ترین لایه زمین و شامل دو نوع قاره‌ای و اقیانوسی است و تنها جایی است که زندگی بر روی آن جریان دارد. آنچه زمین را زمین کرده است. پوسته آن است. پوسته کره زمین از دور و از نزدیک زیباست. پوسته زمین لایه سنگی است. ضخامت این پوسته زیاد نیست. نسبتا کم عمق است. به دو نوع پوسته قاره‌ای و پوسته اقیانوسی طبقه‌بندی می‌شود.

ضخامت پوسته اقیانوسی آن حدود ۷ کیلومتر است. پوسته قاره ای دارای ضخامت متوسط ۴۰-۳۵ کیلومتر است. در برخی مناطق کوهستانی ممکن است ضخامت پوسته از ۷۰ کیلومتر نیز تجاوز نماید.

پوسته بعنوان بیرونی‌ترین لایه زمین از اکسیژن و سیلیکون ساخته شده است.

حیف که این پوسته بدست انسان نادان پوست پوست شد. تخریب شد. زمین مسکونی شد. ویلای شخصی شد. مایملک این و آن شد. نخواستند و نگذاشتند زیبائی های آن به اشتراک عموم گذاشته شود.

هر کس به ناحق در این زمین مرد خونش به گردن کسانی است که میلگرد را بیشتر از درخت دوست دارند. پاساژ را بر بوستان ترجیح می دهند. روشنائی خیابانها را بر تاریکی بیابانها و جنگلها و رودخانه ها اولی تر می دانند. خلاصه بگویم اینها حیوان های احمق هستند. دزدان دریائی هستند. کشور فروش هستند. غارتگر آثار تاریخی، آثار باستانی و آثار وحش هستند. قبرستان هم حیف اینهاست. خجالت نمی کشند اسم خود را روی کتیبه های ورودی این بناهای منحوس حک می کنند! یکی از اینها نمی پرسد خدا به شما زمین اینگونه تحویل داد؟ چقدر طبیعت را تخریب کنید رضایت به مرگ خود می دهید؟

۲. جبه (گوشته) زمین:

بیش از ۸۲٪ از حجم زمین در گوشته زمین قرار دارد. گوشته یک ورقه جامد و سنگی است که تا عمق ۲۹۰۰ کیلومتری زمین را تشکیل می‌دهد (ماخذ: پایگاه اطلاع رسانی زمین).

۳. هسته زمین:

در حدود ۳۰۰۰ کیلومتر پایین‌تر از پاهای ما، در جایی ۲۷۰ بار عمیق‌تر از عمیق‌ترین نقطه‌های اقیانوس، هسته‌ی زمین آغاز می‌شود (احمدی قزل دشتی، ۱۳۹۶). ضخامت کلی آن ۳۴۷۱ کیلومتر است. **حجم زیادی از کره زمین را هسته تشکیل داده است. بعبارت دیگر دو سوم حجم کره زمین.**

خود هسته از دو بخش درونی و بیرونی تشکیل شده است. هسته درونی به اندازه سطح خورشید داغ است و داغ‌ترین قسمت زمین است. این هسته در مرکز زمین قرار دارد و چنان تحت فشار است که با وجود اینکه بسیار بسیار داغ است، اما به مانند یک گوی فلزی جامد است (هسته درونی زمین ممکن است شروع به چرخیدن در جهت مخالف کرده باشد، بی بی سی، ۱۴۰۱).

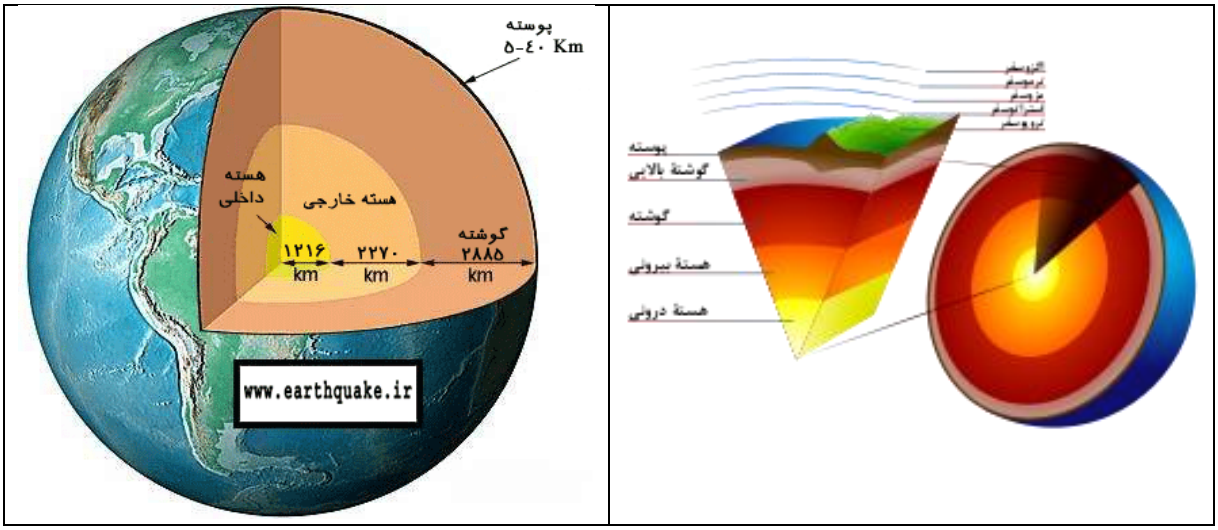

اشکال ۴-۳: نمایی شماتیک از درون زمین و لایه های اصلی زمین.

۱) پوسته (قاره‌ای و اقیانوسی)، ۲) گوشته (بالایی و پایینی)، ۳) هسته (بیرونی و هسته درونی) (ویکی پدیا، ۲۰۲۰).

طبیعی هم هست این ضخامت نبود زمینی نبود. زمین به حالت آهن ربای غول پیکر نبود. میدان مغناطیسی زمین نبود. زیبائی امروز زمین نبود. انرژی زمین از دو جا تامین می شود از این هسته مذاب درون خود و از آن خورشید عالم تاب بالا سر زمین. هر دو جوشان اما حیاتبخش. روح بخش. نجات بخش.

زمین گوش دارد

هوش دارد

گوش و هوش را با هم دارد

میکروفون از راه دور دارد

ذره بین از سور دارد

دور نیست دوربین دارد

نور نیست نورین دارد

روضه رضوان دارد

هسته خورشید دارد

زیر و رو با هم دارد

پهنه گیتی است خدا دارد

پرچم دنیاست دنیا دارد

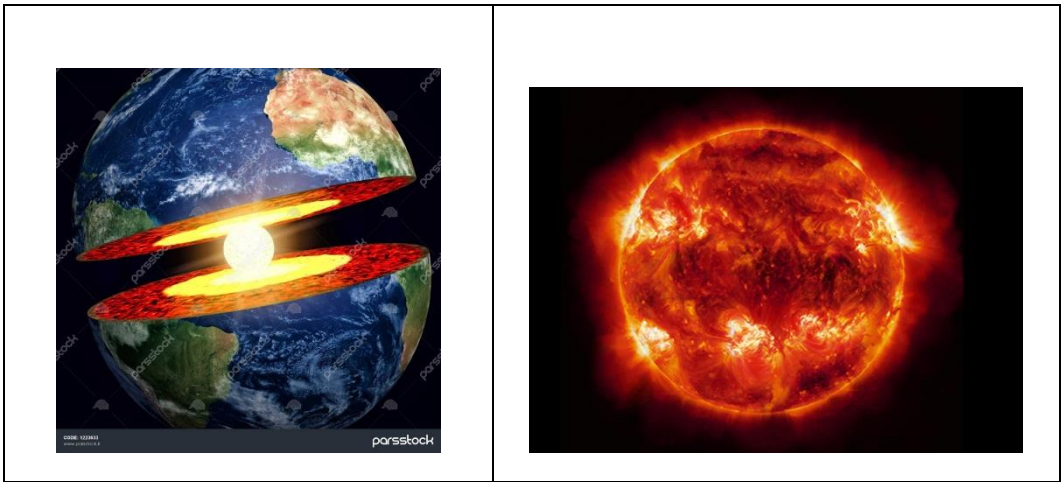

اشکال۶-۵: هسته بمانند توپی فلزی در وسط زمین قرار دارد. همین سبب می شود همه سیاره زمین خاصیت مغناطیسی داشته باشد. منتها هسته بیرونی زمین کنترل کننده میدان مغناطیسی زمین است. میدان مغناطیسی زمین مانند یک حباب عمل می‌کند و از زمین در برابر ذرات باردار شناور پیرامون منظومه خورشیدی مانند ذرات بارداری که از خورشید می‌آیند، محافظت می‌کند.

خود هسته از دو بخش ساخته شده است.

هسته درونی (داخلی) و هسته بیرونی (خارجی).

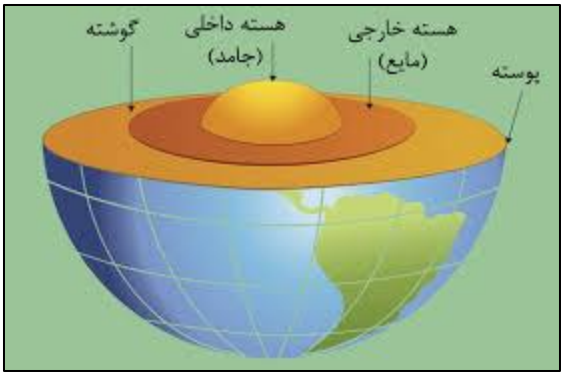

هسته درونی با اینکه داغ ترین بخش هسته است اما به دلیل فشار بسیار زیاد فلزات از جمله آهن در آن به حالت جامدند. برعکس در هسته بیرونی، دما و فشار به مراتب کمتر از هسته درونی است لذا مواد چون آهن در آن مایع است (ویکی پدیا، ۲۰۲۰).

هسته به طور منظم در حال حرکت است. دانشمندان بر این باورند که هسته درونی سریع‌تر از بقیه بخش‌های زمین می‌چرخد.

۱,۱. **هسته بیرونی زمین که از فلزات ذوب‌شده آهن و نیکل و هم‌چنین گوگرد ساخته شده است.** هسته بیرونی زمین از ژرفای ۲۸۹۰ کیلومتری آغاز شده و تا ژرفای ۵۱۵۰ کیلومتری زمین ادامه می‌یابد. دمای این بخش ۸۰۰ درجه سانتیگراد است و به حالت مایع است.

خاصیت مغناطیسی زمین بر اثر آهن مذاب موجود در هسته بیرونی آن است. زمین مانند یک آهن‌ربای بزرگ عمل می‌کند، با آهن‌رباهای دو قطب شمال و جنوب. اما برخلاف تصور ما این دو نقطه در همان نقاط جغرافیایی قطب شمال و جنوب نیستند. در واقع در تغییر هستند و جای خود را عوض می‌کنند. در ۱۰۰ میلیون سال گذشته، قطب‌های مغناطیسی زمین حدود ۲۰۰ بار تغییر کرده است و آخرین بار آن حدود ۸۰۰،۰۰۰ سال پیش بوده است.

این آهن مذاب بر اثر سرد و گرم شدن و همراه با چرخش زمین حرکت می‌کند و جابه‌جا می‌شود و میدان مغناطیسی ایجاد می‌کند. مانند همه میدان‌های مغناطیسی این میدان در نزدیکی دو قطب از نقاط دیگر قوی‌تر است.

وجود میدان مغناطیسی کمک می کند:

۱) کره زمین در برابر اشعه‌های زیانبار کیهانی حفاظت بشود. این اشعه‌ها از هسته‌های اتم تشکیل شده‌اند که با سرعتی نزدیک به سرعت نور حرکت می‌کنند، ۲) جلوی فرسایش جوی گرفته شود و حیات همچنان در روی زمین ادامه یابد،

۳) زیبائی زمین به وجود شفق‌های قطبی سایه‌روشن آن به رنگ های سبز، زرد، ارغوانی و رنگ‌های دیگر در آسمان است. بدون میدان مغناطیسی زمین ما از تماشای چنین نمایش شگفت‌آوری بی‌نصیب می‌ماند.

زمین بدون میدان مغناطیسی تبدیل به یک زمین بدون اتمسفر می شود که چون میلیونها سیاره نه حیات خواهد داشت و نه حیاط.

شایان ذکر است کار قطب‌نما نشان دادن قطب شمال مغناطیسی زمین است.

سوزن قطب‌نما خودش استوانه‌ای مغناطیسی است که بر محوری قرار گرفته است و به راحتی می‌تواند بچرخد. وقتی آن را بر سطح صافی قرار دهیم، عقربه قطب‌نما چنان می‌چرخد که به طرف شمال مغناطیسی قرار گیرد و با مشخص شدن شمال جهات‌های دیگر را هم پیدا می‌کنیم. بدون میدان مغناطیسی زمین چنین پدیده مفیدی رخ نمی‌دهد (بی بی سی، ۱۴۰۰).

۱,۲. **هسته درونی زمین که وسعت آن حدود دو سوم اندازه ماه است به حالت جامد و عمدتا از آهن است.** هسته درونی از حدود ۶۶۴۰ کیلومتر زیر پوسته آغاز شده و حدود ۱۲۸۰ کیلومتر ادامه می‌یابد. دمای هسته درونی زمین ۶۰۰۰ درجه سانتی‌گراد (به اندازه دمای سطح خورشید) است. آهن در این دما ذوب نمی شود زیرا دما و فشار این بخش بسیار بالاست.

بنابراین گفته می شود جنس هسته درونی جامد است. شماری از فیزیکدانان اما ترجیح می دهند هسته داخلی زمین را نه جامد، بلکه یک "پلاسما با رفتاری جامدگونه" بدانند (ویکی پدیا،۲۰۲۰).

همین جامد بودن و حرارت بالای هسته درونی سبب می شود چون اجاق عمل کند و مواد موجود در هسته بیرونی چون آب روی آن (اجاق) بجوشد و قل قل کند. در اثر جریان مذاب آهن و دیگر فلزات این بخش آهنربائی شدن زمین شکل می گیرد. به تبع آن مغناطیسی شدن دو قطب شمال و جنوب زمین و در نتیجه محافظت زمین از بلایای متعدد کیهانی.

در عین حال گفته می شود هسته درونی زمین ممکن است شروع به چرخیدن در جهت مخالف بکند. این چرخش می تواند مستقل از هسته بیرونی باشد و این یعنی عدم هماهنگی هسته درونی با هسته بیرونی و احیانا وقوع زلزله های مهیب (هسته درونی زمین ممکن است شروع به چرخیدن در جهت مخالف کرده باشد، بی بی سی، ۱۴۰۱).

نحوه مطالعه لایه های مختلف زمین:

نزدیک شدن به بخش هسته زمین غیرممکن است. اما پس از زمین لرزه‌ای نسبتا بزرگ، کل سیاره مانند یک زنگوله می‌لرزد. اندازه‌گیری این نوسانات در نقاط مختلف می‌تواند به ما کمک کند تا تغییر ساختار سیاره زمین را متوجه شویم (احمدی قزل دشتی، ۱۳۹۶).

منشا میدان مغناطیسی زمین (خاصیت آهنربائی زمین):

زمین یک آهنربای بزرگ است. یک سیاره ویژه برای جذب مواد و گرد و غبار فضاست. مردم نمی دانند که روی کدام کره زندگی می کنند! **نه می دانند زیر پای آنها آهنرباست و نمی دانند زمین کره بی قراری است** که یک ثانیه آرام ندارد و مرتب دور خود (حرکت وضعی) و دور خورشید (حرکت انتقالی) در حرکت است. یک شبانه روز (۲۴ ساعت) بدور خود و یک سال (۳۶۵ روز) به دور خورشید. ۱۶۷۰ کیلومتر در ساعت به دور خود و ۱۱۰ هزار کیلومتر در ساعت به دور خورشید (زمین و زمینیان،۱۴۰۱ در همین سایت).

۱. نتیجه گردش وضعی: پدید آمدن شب و روز- اختلاف ساعت،
۲. و نتیجه گردش انتقالی: به وجود آمدن سال خورشیدی- پدید آمدن فصل ها.

تفاوت سال قمری و شمسی و میلادی:

شایان ذکر است همان زمان که زمین دور خود و دور خورشید می چرخد. ماه هم به دور زمین می چرخد. چرخش ماه به دور زمین ۴ هفته (۲۸روز) به طول می اجامد. از اختلافهای مهم سال قمری با سال شمسی و میلادی:

۱. نقطه آغاز سال در سال‌های شمسی و میلادی در یک فصل معین بوده (بهار و زمستان)، اما در سال قمری، آغاز سال می‌تواند در فصل‌های متعدد رخ دهد.
۲. تعداد روزهای سال خورشیدی بیشتر از تعداد روزهای سال قمری است، تعداد روزهای ۱۲ ماه قمری (۳۵۴،۳۶۷ روز) را گاهی سال قمری می‌نامند.
۳. هر سال قمری ۱۱ یا ۱۲ روز از سال خورشیدی کمتر است، بدین ترتیب با گذشت حدود ۳۳ سال قمری، به جای پیشین خود بازمی‌گردد.

گفته می شود منشا میدان مغناطیسی زمین به احتمال زیاد مربوط به حرکات هسته بویژه در بخش بیرونی آن است. زیرا در این بخش آهن به صورت مایع است. جریان آهن مایع در هسته بیرونی زمین و انتقال آن به بخش سطحی زمین موجب بوجود آمدن جریان الکتریکی و به تبع آن ایجاد میدان مغناطیسی می گردد. اثر ترکیبی میدان های مغناطیسی باعث می شود سیاره ما مانند آهنربا غول پیکری رفتار کند. خاصیت آهنربایی کرۀ زمین بیشتر در دو قطب شمال و جنوب زمین متمرکز و مستقر است. اما در برخی منابع می نویسند زمین اطراف کعبه هم دارای میدان مغناطیسی است.

اهمیت خاصیت آهنربائی زمین و تشکیل میدان مغناطیسی در دو سوی قطب شمال و جنوب آن:

تعاریف:

آهن ربا (magnet): وسیله ای است که به دلیل خاصیت مغناطیسی می تواند ۴ نوع فلز را جذب کند: آهن، فولاد، نیکل و کبالت.

میدان مغناطیسی (Earth's magnetic field or geomagnetic field): میدانی که در اطراف آهن ربا وجود دارد، میدان مغناطیسی است. آهن رباها به وسیله این میدان بر هم اثر می کنند و به یکدیگر، نیرو وارد می کنند. این نیرو نیز می تواند جاذبه یا دافعه باشد. قوی ترین قسمت های آهن ربا از لحاظ مغناطیسی، قطب های آهن ربا هستند. قطب های آهنربا را با دو نام نامگذاری می کنند: شمال (N) و جنوب (S). برای نشان دادن میدان مغناطیسی اطراف آهنربا، به طور نمادین آنها را با خطوطی نشان می دهیم که به آنها خطوط میدان مغناطیسی می گوئیم.

این خطوط در بیرون آهنربا از قطب شمال به جنوب و درون آهنربا از قطب جنوب به شمال است. بنابراین این خطوط به صورت یک مسیر بسته هستند.

هرجا این خطوط فشرده ترند، میدان قوی تر است و هرچه این خطوط از هم بازتر باشند، میدان ضعیف تر است.

اگر قطب نما روی خطوط میدان مغناطیسی قرار بگیرد، عقربه آن بر خطوط میدان مغناطیسی مماس است.

خاصیت مغناطیسی کره زمین، نقش بسیار مهمی در جهت یابی کشتی ها و هواپیماها دارد.

اگر آهنربایی را نصف کنیم، قطب های آن از هم جدا نمی شوند، بلکه هر آهنربا مجدداً دارای قطب های شمال و جنوب جداگانه است. اگر این کار را بارها تکرار کنیم، باز هم نمی توانیم قطب های آهن ربا را از هم جدا کنیم. در واقع ما هیچگاه نمی توانیم قطب شمال یا جنوب را به صورت جداگانه داشته باشیم. به بیان دیگر، هیچ تک قطبی مغناطیسی وجود ندارد (https://magnetcity.neocities.org/site.html).

با توجه به تعاریف و مفاهیم فوق، زمین یک آهن ربای غول پیکر است و چون هر آهنربا ایجاد میدان مغناطیسی می کند. این میدان به دو قطب شمال و جنوب هدایت می شود. باقی مانده آن در آسمان شب به صورت شفقی خیره کننده دیده می شود.



اشکال ۸-۷: شفق قطبی (Aurora) نمایشی از نورهای درخشان و رنگارنگ است که در آسمان شب در اثر برخورد یون‌های بادهای خورشیدی با اتم‌های اکسیژن و نیتروژن اتمسفرِ زمین بوجود می آید (ایوارنامه، ۱۳۹۹). با آنکه هنر میدان مغناطیسیِ زمین حفاظت از حیات کره زمین است اما زیبائی این هنر در برخورد با هنر دیگر طبیعت (بادهای خورشیدی)، خلق باشکوه ترین تصاویر طبیعی دنیاست. بیشتر شفق‌های قطبی در حدود ۹۷ تا ۱۰۰۰ کیلومتری از سطح زمین رخ می‌دهند. شفق‌های قطبی به رنگ‌های آبی، قرمز، زرد، سبز و نارنجی هستند که مانند پرده‌هایی که با ورزش باد تکان می‌خورند شکل خود را تغییر می‌دهند.

خاصیت آهنربائی زمین و میدان مغناطیسی در اطراف زمین موجب می شود که یک سپر محافظتی برای حفظ زمین ایجاد بشود. میدان مغناطیسی حیات همه موجودات زمین را از تشعشعات مرگبار کیهانی در امان نگه می دارد. میدان مغناطیسی از زمین ساطع و به سمت قطب های شمال و جنوب حرکت می کنند. درست مانند یک میله آهنربایی بزرگ در امتداد قطب های شمال و جنوب.

در این وضعیت، قطبی از آهنربا که بسوی شمال متوجه است قطب شمال (N) و قطبی که بسوی جنوب متوجه است قطب جنوب (S) نامیده می‌شود (فتحی، ۱۳۹۵).

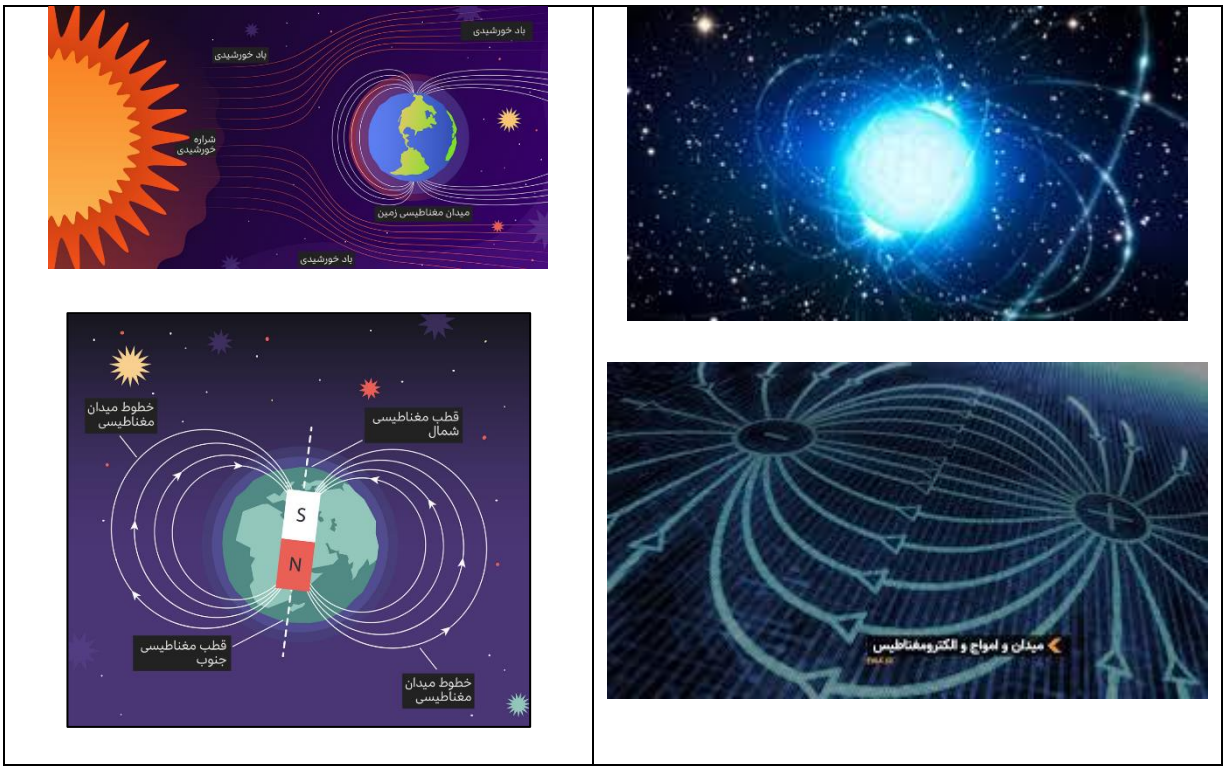

اشکال ۱۲-۹: میدان مغناطیسی در اطراف زمین. زمین که مانند یک آهنربای غول‌پیکر است دارای قطب شمال و جنوب مغناطیسی است. تصویر میدان مغناطیسی و بادهای خورشیدی نشان می دهد چگونه زمین از ما در برابر تابش خورشید محافظت می‌کند



طواف کلمات اعظم حور محور خانه خد.ا

Islamic Art
Collection by A'ishah Huang

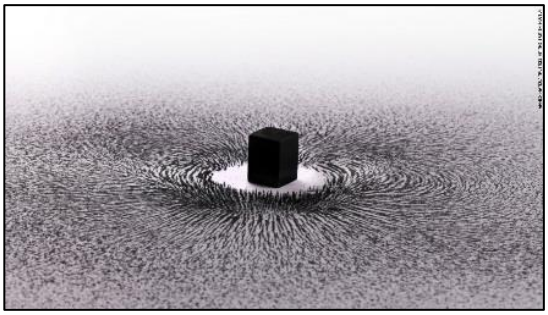

اثر هنری جدید احمد ماتر هنرمند سعودی با استفاده از آهن ربا و آهن و تشابه این منظر با طواف حجاج خانه خدا.

New artwork by Saudi artist Ahmed Mater using a magnet and iron filings to represent people circling the Ka'ba in Mecca.
(Source: The story of Mecca as it's never been told before By Catriona Davies, for CNN, 2012.



تصویری از کتاب عثمان"تاریخ غربی"به سال ۱۶۵۰ میلادی برای نشان دادن کعبه به عنوان مرکز جهان

An illustration from the Otttoman book Tarih-i Garbi, dating from 1650 and showing the Ka'ba in Mecca as the center of the world.
(Source: The story of Mecca as it's never been told before By Catriona Davies, for CNN,



تصویر هوایی بسیار زیبا از برگزاری نماز در خانه کعبه (منبع: فارسی ها).

اشکال ۱۶-۱۳: کعبه را یکی از کانونهای مغناطیس زمین معرفی می کند و شباهت میدان مغناطیسی اطراف کعبه با اطراف زمین را نشان می دهد.

طواف دیگر کهکشانها بماند. احوال و انفس دیگر بماند. نادیده ها و ناگفته ها بماند. بماند که میدان مغناطیسی کعبه یک سویه نیست. چند سویه است. در اطراف زمین نیست. در حاشیه شهر مکه نیست. درست در مرکز خانه خداست. محور آن کعبه است. یک طرف آن حجاج هستند. طرف دیگر طرف پیغام ها و انوار آسمانی هستند. محور اتصال ریسمان الهی است. لبیک اللهم لبیک همه مکالمات بندگان خدا با خدا و خدا با بندگان است. زیرا لبّیک به معنای پاسخ مثبت دادن، موافقت کردن و پذیرش دعوت یا قبول آن است:

لَبَّیک، اَللّهُمَ لَبَّیک، لَبَّیک لا شریکَ لَکَ لَبَّیک

اِنَّ الحَمدَ و النَعمهَ لَکَ و المُلک، لا شریکَ لَکَ

خداوندا رو به سوی تو آورده‌ام و دعوت و ندای تو را اجابت می‌کنم، اجابت کردنی پس از اجابت کردن، شریک و یاوری نداری، رو به سوی تو آورده و مُقیم آستان بندگی تو می‌شوم، تمام حمد و ثنایم مخصوص تو است، همه نعمتها و پادشاهی عالَم از آنِ توست، هیچ شریکی نداری، دعوتت را لبیک گویم.

نماز و طواف

مردم مسلمان دنیا در طول شبانه روز دور این محور نماز می گزارند. درست است رو به قبله می ایستند و ایستاده یا نشسته نماز می خوانند اما حین نماز طواف خانه خدا را هم می کنند. در طواف آنچه حجاج می کنند او هم می کند. اصلا دنیای نماز و طواف یک رابطه مستقیم با یک رشته پیوسته است.

اشتباه است انسان فکر کند نماز صرف می خواند! نه نماز با طواف می خواند. زیرا نماز و طواف دو روی یک سکه اند. همچنانکه نماز و زکات دو روی یک سکه اند.

نور از بالا، انرژی و دایره مغناطیس هسته زمین از پائین.

نور نمازگزار از یک سوی، نور حبل المتین قبله از سوی دیگر. انسان مومن اگر در نماز معراج نکند نماز نخوانده است. حیف که علم اینقدر پیشرفت نکرده است طواف جهانی نماز را از داخل خانه های مسلمانان به نمایش بگذارد. البته با نرم افزارهای فعلی شبیه سازی آن سخت نیست. اینکه نماز رکن دین است برای این منظور است.

اینکه نماز مکتب اسلام محور دین اسلام و افتخار این دین است برای عظمت آن است. نماز در هوا نیست. نماز رو به قبله است.

نماز در میدانهای مغناطیسی مختلف است. ذکر خالی نیست. خلق فکر است. غرق در عظمت خلقت است. هیچ دینی چنین مناسکی به این عظمت و به تحلیل ندارد. کپی برابر اصل تمام فرمولهای نجوم، ریاضی، بیوشیمی، فیزیک، شیمی و اجتماعی است.

پیامبر (ص) همین نماز را ابلاغ می کرد معجزه کامل بود. هر موقع برای نماز ایستادی در واقع سوار چرخ فلک عالم شده ائی. چرخ فلکی که نه تنها از حرکت باز نمی ایستد. بلکه هر بار نمازگزار را یک سطح بالا می نشاند (مراجعه شود به دیگر نوشته های من در باب نماز در همین سایت از جمله:"نماز و مقایسه عملکرد آن با انواع دستگاه پی سی آر (PCR)"، پوستر معراج نماز، نماز به عربی و دعا به فارسی نور است، نماز جعبه نور (Lux Light Box) نماد اسلام، تکمله مقاله فلسفه و اسرار نماز، خواندن نماز و قرائت قرآن یا تو را عابد می کند یا شاعر یا شاهد یا شاکر یا شارح، تکمله مقاله نماز به عربی و دعا به فارسی نور است، تور نماز، آئین نماز، فلسفه خواندن نماز آیات،۱۳۹۷ و... در همین سایت،۱۴۰۲)

مثل چرخ فلک است

چرخ ها می چرخند

تو هم می چرخی

چرخ تو نور دل است

چرخ او روی دل است

منتها کوه دل است

مقتدا روح دل است

تو خدا می بینی و حافظ: خانه، خدا می بیند (خانه می‌بینی و من خانه خدا می‌بینم)

به تو چرخی نور است

به تو منظر نور است

به تو محرم نور است

نور علی نور است

خانه را تاب ندارد نور است

نور منظور من هم نور است

ناگهان نور است؟

هر زمان نور است

خانه تو یک رکعت هم نور است

کعبه، مغناطیس تو نیست

میدان تو بیش از این است

تو خدا را می بینی

نمی بینی؟ خدا می بیند

در طواف نور تو و نور خداست

نور خدا می بیند

همه چرخند تو نچرخی خون است

بسیار بوده و بودند ندیدند خون است

به تو گفتار لب لعل است

چو غزل شیرین است

بنمائی وطن است

ننمائی خطر است

قوس و قزح در پیش است

بتوانم بروم پیروز است

تا قیامت سفرت پیروز است

رخت خود صاف بکن

صابون است

رنگ خود پاک کن

داغون است

ردپای تو دیدم بارون است

بنویسم بنویسند کارون است

نماز و سجده

منابع و بویژه ویدئوهای متعددی تهیه شده است که نشان می دهد مکه مکرمه و کعبه نقطه مرکزی زمین است. حداقل مکّه مکرّمه در مرکز بخش خشکی کره زمین واقع شده است (پرسمان دانشگاهیان، ۱۳۹۰). اما مقالات علمی مستدلی در دسترس نیست. بسیاری از ایرانی ها بر اساس این فرضیه اعلام کردند چون بدن ما میدان مغناطیسی خود را دارد و امواج الکترومغناطیسی ناشی از کارکرد انواع وسایل برقی، گوشی های موبایل، دکل های مخابراتی و نیروگاه های برق که با ایجاد میدانهای مغناطیسی خارجی روی امواج مغزی ما تاثیر منفی می گذارند. پس بهتر است برای این رفع این مشکل قرن حاضر (نه قرنهای قبل) سجده در نمازهای یومیه را مد نظر قرار داده و سبحان را ستایش کنیم.

بر اساس این فرضیه سجده در نماز دارای مزایای زیر است:

۱. سجده به سمت قبله، بهترین راه تخلیه سیگنال های مضر از بدن است.
۲. سجده به سمت قبله موثرترین راه برای کاهش یافتن شدید سطح انرژی های منفی بدن انسان است.
۳. در واقع با گذاشتن پیشانی بیشتر از یک بار روی زمین، زمین امواج الکترومغناطیسی بدن ما را تخلیه می کند.
۴. کسانی که در روز ۳۴ بار در رکعات ۱۷ گانه نمازشان سجده می کنند، بی شک بیش از هر کس دیگری انرژی های منفی کسب شده در طول روز را تخلیه می کنند.
۵. همانطور که می دانید نزدیک به ۷۰٪ از بدن ما را آب فرا گرفته است (مراجعه شود به منشا آب زمین آب حیات، ۱۴۰۰ در همین سایت) و مولکولهای آب به صورت دو قطبی هستند و زمانی که ما در معرض یک میدان مغناطیسی خارجی قرار می گیریم، این مولکولها در جهت آن میدان قرار می گیرند و این پدیده باعث می شود، نظم میدان مغناطیسی ما به هم بریزد.
۶. آنگونه که از تصاویر به دست آمده از میدان مغناطیسی زمین پیداست، به طور شگفت انگیزی اگر انسان در هر نقطه ای از زمین رو به قبله بایستد، میدان مغناطیسی بدنش بر میدان مغناطیسی زمین منطبق می گردد چون کعبه مرکز میدان مغناطیسی زمین است و در مدتی که انسان در حالت نماز است میدان بدنش منظم می شود.

خوب همه این مباحث قرینه سازی اطلاعات علمی روز با موضوعات دینی است. من هم یکی از این قرینه سازان هستم. زیرا رشته علمی من نیست. بود هم کمکی نمی کرد. اما با اندک ایمان، ایقان، الهام و ابرامی که دارم معتقد هستم اینهمه هست و همه اینها تنها اسرار کعبه نیست. تا انسان های عاشقی پیدا بشوند از این کعبه و از آن پرده و از پشت پرده رمزگشائی بکنند.

کعبه را گفتند کلام است

راهیان گفتند سلام است

راویان گفتند صلواۀ است

عاشقان گفتند مرام است

سال ۱۳۹۱ نوشتم: معلوم نیست در زمین و زیر زمین کعبه چه می گذرد...(سفر روحانی من: خاطرات قبل و بعد از سفر حج ۱۳۹۳- بخش اول).

اکنون که حدود ۵ سال از آن تاریخ می گذرد می توانم بگویم اندکی می فهمم در زمین و زیر زمین خانه خدا چه می گذرد.

پرده دارد پرده پوش است

هسته دارد نقطه جوش است

خنده دارد خنده رو هست

جثه دارد جفت و جور است

به احتمال زیاد، کعبه با تمام اسرار نهفته اش یکی از کانونهای مغناطیس زمین، جاذبه زمین، و محل دریافت و ارسال میلیاردها سگینال خالق و مخلوقی است. **آنچه که در بالا از منابع مختلف ذکر شد بلاشک می تواند جزو برداشت های برازنده باشند. مثل نظری که من ذیلا در خصوص علت ظاهر شدن اثر سجده بر روی پیشانی ارائه خواهم داد. اما همه این استنباط ها و قرائن فرضی هستند زیرا مبتنی بر علم نیست. شهودی است تا فرمول ریاضی. از علم فیزیک و علم نجوم عاریه می گیرد اما داده علمی متقن ارائه نمی دهد. این هم ضعف علمی ما مسلمانان را نشان می دهد که گوش و چشمان به تحقیقات جهان غرب است.**

فلسفه پیدایش اثر سجده بر روی پیشانی

پرسش مهم برای رفع ابهام بزرگ:

۱) چرا در نماز سجده می گذاریم؟ ۲) چرا برای سجده از پیشانی خود استفاده می کنیم؟ ۳) چرا سجده دو بار و رکوع یکبار؟ ۴) چرا به همه چیز نمی توان سجده کرد؟ ۵) چگونه اثر سجده در پیشانی و قطعا زانوهای یک مومن ظاهر می شود؟

مطالب فوق نشان می دهد یک انرژی فوق العاده پشت این ماجراست. به زمین که نگاه می کنیم می بینیم دارای هسته است. هسته دما دارد. دما در سطح زمین مایه حیات است. گرمی زمین به خاطر این بخاری عظیم است. هسته بیرونی زمین به زمین خاصیت آهنربائی می دهد. هرجا آهنربا هست دور آن میدان مغناطیسی است. زمین یک آهن ربای بزرگ است. پس تا اینجا عمق زمین هم

گرم است هم میدان مغناطیسی دارد. هرچه به لایه های پائین تر برویم دمای زمین گرم تر می شود. اینقدر گرم که از چند درجه سانتیگراد به ۵۰۰۰ درجه سانتیگراد افزایش می یابد. در همین سیستان ایران در عمق۱۸۸۰°C آبی که استحصال شده است نزدیک به نقطه جوش است (۸۵°C).

امروز از هسته این زمین انرژی استحصال می شود (صاحبی،۱۴۰۱). دانشمندان معتقدند این منبع انرژی یکی از انرژیهای مطمئن و پایدار دنیاست که می تواند تا سال ۲۰۳۰ در سبد انرژی جهان قرار بگیرد.



در چنین زمینی به خدا سجده می کنیم. ما در چنین زمینی سجاده نشین می شویم.

رکوع جهت یاب است. سجده سجدگاه است.

یک رکوع کفایت می کند. چون دستی بر آتش دارد. اما سجده دوبار چون جذب نور بر سجده است. هرچه سجده می کنیم نقش جای مهر بیشتر رویت می شود. سجده به سوی قبله به پیشانی ما تاثیر منفی نمی گذارد. چیزی از ما نمی گیرد به ما انرژی می دهد. زیرا یکی از کانونهای میدان مغناطیسی زمین کعبه است. بتدریج گرمای ملایم هسته درونی زمین که در عمق ۶۳۳۶ کیلومتری زمین قرار دارد و امواج مغناطیسی هسته بیرونی زمین که درعمق بین۵۱۵۰-۲۸۹۰ کیلومتری زمین قراردارد پیشانی سجده گزار را در جهت قبله اثر انگشت عبودیت می گذارد. بتدریج پوست پیشانی نمازگزار اثر سجده می گیرد.

در این باره، میزان اتصال حائز اهمیت است. آخرین سجده رکعت های آخر هر نماز بسیار تعیین کننده است. اشک های حین نماز بسیار بسیار تعین کننده است. اینهاست که انسان را به مرور سجاده نشین می کند. کل بدن نماز گزار این بار ما دمای هسته زمین را می گیرد. با شدت بیشتر و با قدرت نفوذ بیشتر. شاید هم حین اثر گذاشتن از پوست پیشانی بعنوان نماینده پوست بدن گناه زدائی بکند.

این پیشانی جای گرم برای تجلی روح گرم، فکر گرم، تولید گرم، توصیف گرم، ماندگاری گرم و یادگاری گرم است. فراموش نکنیم این صرفا بیوفیزیک و بیوشیمی سجده است. کلمات خود انرژی زا هستند. هستی بخش اند. مستی بخش اند. دیگر کانونهای گرم کننده سجده هم هستند که از ما پوشیده است اما فرمانبردارند. در برهه ائی از عمر عنایت می شود. می دانند چه هنگام بنده عابد و ساجد خدا را به اثر سجده نماز مفتخر بکنند.

محمد (ص) اولین دارنده این نشان است:

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ... محمد پیامبر خداست و کسانی که با اویند بر کافران سختگیر و با همدیگر مهربانند آنان را در رکوع و سجود می بینی فضل و خشنودی خدا را خواستارند علامت مشخصه آنان بر اثر سجود در چهره هایشان است این صفت ایشان است در تورات و مثل آنها در انجیل چون کشته ای است که جوانه خود برآورد و آن را مایه دهد تا ستبر شود و بر ساقه های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد...فتح/۲۹.

کلمات از تو ببینند

برکات نزد تو ببینند

به تو مجموعه ببینند

عاقبت نور تو ببینند

طبیعی است القای مغناطیسی آهنرباها ویژگیهای خود را دارند. همچنانکه با دور شدن و یا برداشتن آهنربای اصلی، خاصیت مغناطیسی در آهن از بین می رود.

با نزدیک شدن و چسبیدن آهنربا به قطعه آهن، به طور موقت آهن به آهنربا تبدیل می شود. باید به مرور در معنویت و رهبانیت و عالمیت به جائی رسید که آهن ربای خود باشیم اما مستقل از آهن ربای اصلی (خدا) نباشیم. آهن ربای قلب مردم باشیم. معلوم است گفتن اش آسان و عمل به آن سخت است.

چقدر باید نور بگیریم که آهن ربای خود باشیم؟ یک عمر. راه حل میانبر؟ سجاده نشینی.

اینقدر سجاده نشین باشیم تا بطور مستقیم در میدان مغناطیسی خدا قرار بگیریم. سجاده ائی که هر روز بر آن نماز می گذاریم میدان مغناطیسی ما باشد. هر اثری را می خواهیم خلق کنیم روی آن خلق کنیم. اثر سجده اینجا خلق می شود. الهام اینجا شکل می گیرد. بهشت از اینجا قابل رویت است. نطفه خدمت به خلق در اینجا بسته می شود.

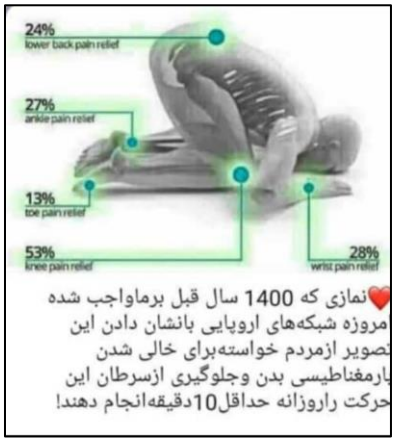

اثر سجده های متفرقه از زمره اوهام و خیالات است. یک دغل کاری از نوع سامری است.

کعبه در این خانه کجاست — نور علی نور خداست

نام خدا نور خداست — چشمه خورشید خداست

رکن رکین رکن خداست — روز، هزار روز خداست

عمق ببین عمر ببین — سال، هزار سال خداست

عمر زمین نور ببین — ماه قمر ماه خداست

آتش این نور کجاست؟ — اینهمه وقت وقت خداست

روی زمین زیر زمین گرم زمین صبر زمین — اینهمه شرح شرح خداست

باغ و دمن دشت بهشت — دامنه شرح کجاست؟

یک سر ما سرو بهشت — حکمت این سازه کجاست؟

سفره این نور خداست
یک سر ما سوی بهشت

لامسه گفت نام زمین
هستی ماست بوی بهشت

رابعه گفت راه زمین
خواب نمان خواب زمین

صعومه گفت طاق زمین
قله کوه پای زمین

ساجده گفت ساق زمین
ریشه نور زیر زمین

روی ببین پوست ببین
کعبه از این نور خداست

جوهره پوست ببین
مذهب ما دین خداست

نقش ۲ بود روی جبین
مکتب ما مهد خداست

نقش تو بر روی جبین
مرکز این خانه خداست

آناتومی زمین

(۱۳۹۸/۱۲/۳)

این زمین سر زنده است
مستی این زندگی

هسته دارد زنده است
بسته ها دارد زمین او زنده است

بسته دارد زنده است
زیر خاک هم می روی یک زندگی است

پوسته دارد زنده است
روی ماه هم می روی یک زندگی است

زندگی در زندگی
گردش آن زندگی است

این زندگی است
معنی آن زندگی است

هستی این زندگی
هرچه تابد زندگی است

هرچه باید زندگی است
معنی عقبی جدا

قطب گرم و قطب سردش زندگی است
زیب زیبائی جدا

هسته اش آتشکده
گردش ایام ماست

پوسته اش دانشکده
گردش اسرار ماست

میوه اش محنتکده
می رویم تا می رسیم

موزه اش دولتکده
با تو دریاها کجاست

کاظمین غیبتکده
در شمال یک آهن ربا

غیبت صغرای کده
در جنوب یک آهن ربا

غیبت کبری کده
چون ترازو می شود

هسته اش آتش فشان زندگی است
همتراز زندگی

پوسته اش آتش بیار زندگی است
صد نیاز زندگی

گردش وضعی بجا
بر تو این گهواره است

گردش عرضی جدا
بر من این دلداده است

مین مغناطیسی جدا
دم به دم دامی رسد

کل این هستی جدا
دم به دم باری رسد

کل این مستی جدا
بارگاه اول است

معنی دنیا جدا
دادگاه اول است

ظلم نکن بیچاره است
برشمار این زندگی

گر نبازی زندگی است
طقتی دارد زیاد

گر بدانی زندگی است
آیتی دارد زیاد

خوش ترین روز خدا یک زندگی است
گر نخواهی مردگی است

یک دری بر روی توست
گر بدانی زندگی است

یکی دری بر پشت توست
در گشودند در برو

بسته دیدی در بزن
پیش از آن هرگز مرو

برترین درب خداست

قطب من قطب نمای خدا

(۱۳۹۸/۱۲/۲۸)

ای وای اگر بودم
دربار خودم بودم

صد بار یکی بودم
صد بار خودم بودم

یکبار زمین بودم
یکبار فنا بودم

صد بار ضمیر بودم
صد بار ثنا بودم

ای کاش دمی بودم
مرد سئوال بودم

صد بار همین بودم
مرد جواب بودم

در راه خدا بودم
در باغ خودم بودم

اکرام خود بودم	در باغ خدا بودم
احوال خودم بودم	یک پا در آن باغم
ما زاهد یک باغیم	یک پا در این باغم
در باغ ملک بودم	باغ برین باغ است
در راه وطن بودم	باغی که در آن کاخ است
اجرام کجا بودند	احرام خدا جا هست
جاذب خودم بودم	نهر است به زیر پایم
آهنربا بودم	نقل است به زیر کاخم
یک قطب خودم بودم	بحر است بدین باغم
یک قطب خدا بودم	من مهر رکین دارم
مرد خدا بودم	من پشت جبین دارم
محو خدا بودم	آن را که نگفت دارم
عزت به ما داده ذلت کجا بودم	برهان خودم دارم
پرواز کنم روزی	یک نور از آن بالا
روزی کجا بودم	یک نور از این پائین
پائین اگر بودم	پائین تر از این دارم
بالا اگر بودم	بالاتر از این دارم

من آهنربا دارم
در صبح نماز دارم

مقیاس سخن دارم
در روز کتاب دارم

مفتاح قلوب دارم
در عصر کمی خوابم

ما جنبده خود دارم
تا شب علوم خوانم

ما بیت خدا دارم
عید است غروب خوابم

از زیر توان خواندن
ظهر است قنوت خوانم

از رو توان دادن
مردم نوا دارم

خود خواند من خواند
دستتم برسد دارم

خاطر نبود داند
بر من برسد دارم

دائم صلواه باشم
از من دو سرود دادند

یک روز صلاح باشم
سرنای مرا دادند

یک روز سلام باشم
با حمد احد خواندم

هر روز همان باشم
بی حمد مدد خواندم

من ذکر خدا گفتم
این مهرانه من، اینست

دکر از تو خدا گفتم
این عیدانه من، اینست

دائم خدا گفتم
اینک تو بگو عید است

یکبار به من گفتند
اینک تو بگو چون است

صد بار اگر ماندم — باید بروی راه است

از بهر کسی ماندم — سرچشمه آن ناب است

صد بار اگر راندند — بر چشمه آن راز است

بی مهر نبود ماندم — با ناز اگر ماندم

صف ها به خون ماندم — با آه اگر ماندم

مولای من هم ماندند — با خواهش خود ماندم

عشاق خدا ماندند — با رامش تو ماندم

این راه تو نیست راه است

تبریک خدا و کفر انسان

(۱۳۹۹/۱/۲۸درج در سایت جت)

مقاله شما تحت عنوان "فاصله زمین تا ماه چقدر است" نشان می دهد هیچ جا مثل زمین نیست. زمین چون انسان ابهت دارد. همه باید به خالق این هستی تبریک بگویند. او در خلق انسان به خود تبریک گفت. اما انسان بابت این هستی به او تبریک نگفت. این تفاوت حکیم با جهول است. دانا با نادان است. دانائی خدا مطلق است. دانائی انسان نسبی است. بین صفر و صد است. خطای صفریان بیشتر است. خدا کند زمین بدست بشر نادان تبدیل به ماه نشود. زمین همچنان خوش نقش و خوش نگار باقی بماند. هرچند پیش بینی ها غیر از این را نشان می دهند. باید مرتب از زمین به زبان ساده و تصاویر زیبا گفت و نوشت تا همه متوجه عظمت زمین بشوند.

زمین است در گشائید

نماز خود نمائید

خدا را دیده بینید

خدا را بنده باشید

عشق زمین

(۱۳۹۹/۲/۱۳هشتمین روز ماه مبارک رمضان)

مرکز عشق است زمین عاشق است

عاشق مهتاب زمین عاشق است

دور فلک دید درونش نرفت

سبزه بکارید زمین عاشق است

گذر در زمین

(۱۴۰۱/۸/۲۵)

رهگذری بود از این ره گذشت

محترمی بود بدین ره گذشت

کل قضایا از این ره گذشت

زمین

(۱۴۰۱/۸/۲۶)

کل لطایف به روی زمین

کل وظایف ز روی زمین

عالم و آدم به این سو، زمین

کار خدا بین ببیند زمین